



دعوی نیروی انتظامی و
سردفتران بالاخره به پایان رسید

برگ سبز، سند شد

۲۴



گفت‌وگو با مدیرعامل سازمان زیباسازی
شهرداری تهران

برای برنامه‌هایم می‌جنگم

۲۶



روایتی از حادثه تلخی که به کشته شدن
خبرنگاران منجر شد

خبرنگارانی که خبر شدند

۲۵



با دستور رئیس جمهور سواحل
و حریم رودخانه‌ها آزاد شد

سواحل، آزاد شد

۲۵



ویژه نوروز ۱۴۰۱

جامعه

پنجشنبه ۲۶ اسفند ۱۴۰۰ :: شماره ۶۱۸۱

۲۳
جامعه

تایستان ۱۴۰۰ تا بستان سخت و عجیبی بود!
یک فصل سیاه‌کرونایی که با واکسیناسیون گسترده به پایان رسید

داغ‌ترین تابستان قرن



یادداشت

موجی که ما را با خودش برد



مسعود یونسیان

دبیر کمیته تخصصی
ایپدمیولوژی
و پژوهش

واکسیناسیون، مهم‌ترین کلیدواژه روزهای موج پنجم کرونا بود؛ آن قدر که کشورهایی که پیش از ما اقدام به واکسیناسیون کرده بودند، بهتر از ما توانستند این موج را کنترل کنند. یک بررسی آماری نشان می‌دهد ما قله موج پنجم را پیش از شروع شهریور گذرانده بودیم، در حالی که عمده واکسیناسیون کشور از ابتدای شهریور شروع شده بود و این یعنی ما موج پنجم را تنها با واکسینه شدن کادر درمان و بخشی از سالمندان و بدون واکسینه شدن عموم اقشار جامعه گذراندیم.

البته نمی‌توانیم بگوییم اگر واکسیناسیون صورت گرفته بود، این موج شکل نمی‌گرفت ولی توزیع متوفیان در موج پنجم و همه‌گیری سوبه دلتا نشان می‌دهد سالمندان سهم کمتری به نسبت موج قبلی داشتند؛ موضوعی که نشان‌دهنده تأثیر واکسن در رده سالمندان بود. واقعیت این است اگر پوشش واکسیناسیون زودتر رخ داده بود، شاید موج پنجم به این تلخی که در خاطر همه ما ماندنی نمی‌شد.

این‌طور که مشخص است، موج ششم در اغلب کشورهای دنیا، مبتلایانی بیشتر از موج پنج داشت. در کشور ما هم اگرچه آمار تست‌های مثبت این‌طور نشان نداد اما مشاهدات میدانی در مراکز درمانی این بود که تعداد افراد مبتلا بسیار زیاد بود، در حالی که آمار مرگ و میر این موج چیزی حدود یک‌سوم موج قبلی بود. این در حالی بود که ما انتظار داشتیم اگر کشندگی ویروس یکسان باشد، تعداد موارد مرگ موج ششم بیشتر باشد. حتی اگر بگوییم شدت کشندگی امیکرون، نصف سوبه دلتا باشد، باز هم انتظار نداشتیم تعداد مرگ‌ها یک‌سوم باشد. شخصا فکر می‌کنم افت نسبتا شدید موج ششم سه علت داشت: اولین علت آن شدت کمتر امیکرون نسبت به دلتا بود؛ دیگری ایمنی حاصل شده ناشی از ابتلای جمعیتی زیادی از مردم به ویروس کرونا در موج پنجم و سومین و مهم‌ترین دلیلش، واکسیناسیونی بود که در موج ششم، انجام شده بود.

اما در این میان نباید فراموش کنیم رفتار کشورهای دنیا برای پیشبرد روند این بیماری، بسیار با اهمیت و تأثیرگذار است؛ چنان‌که اگر کشورهای مرفه، واکسنی به مقدار کافی و لازم در اختیار سایر کشورهای قرار می‌دادند، با چنین موج‌هایی روبه‌رو نمی‌شدیم.

این موضوع به قدری با اهمیت است که سازمان جهانی بهداشت هم پیامی با این مضمون منتشر کرد که اگر می‌خواهید آسوده باشید، همسایه‌تان را ایمن کنید. پیامی که اگر نه از روی انسان‌دوستی بلکه حتی به نیت خودخواهی هم صورت می‌گرفت، آفریقایی‌ها واکسینه می‌شدند و شاید جهشی از این کشورها به همه دنیا نمی‌رسید. اتفاقی که متأسفانه رخ نداد و در حالی که خیلی از کشورها، دز سوم واکسن را تزریق می‌کردند، بسیاری از مردم کشورهای دنیا، دسترسی به اولین دز هم نداشتند.



نرگس خاتل‌زاده

جامعه

چیزی از اولین روزهای تابستان نگذشته بود که هشدارهای وزارت بهداشت شروع شد؛ اعلامیه‌هایی که خیراز شناسایی مواردی از ابتلا به جهش‌های هندی و آفریقای جنوبی یا همان دلتا در برخی مناطق کشور، تغییر رنگ‌بندی کرونایی و افزایش مناطق قرمز در کشور و همچنین کاهش سطح مراقبت‌های بهداشتی می‌داد. اتفاقاتی که دست به دست هم دادند تا خیز پنجم کرونا در کشور شروع شود. البته روند کند واکسیناسیون علیه کرونا هم مزید بر علتی شد که کشور گرفتار موج پنجمی شود که شاید فکرش را نمی‌کردیم به این اندازه سهمگین باشد و چنین جمعیتی را با خودش درگیر کند؛ آن هم در شرایطی که مدام خیره‌هایی از پیشرفت کار آزمایشی چند پلفرم واکسن کرونا می‌شد و حتی دو واکسن کووایران برکت و پاستوکوک هم مجوز مصرف اضطراری دریافت کرده بودند اما همچنان خبری از ورود این واکسن‌ها به عرصه واکسیناسیون مردم علیه کرونا نبود. به هر حال ما گرفتار موج پنجم شده بودیم.

کشوری سراسر قرمز

روند اوچگیری مجدد ویروس کرونا در کشور از جنوب به مرکز و شمال کشور آغاز شد و از اواخر خرداد بود که زنگ خطر بروز موج پنجم بیماری کووید-۱۹ آن هم با سوبه‌های جدید ویروس نظیر جهش هندی و آفریقای جنوبی که در برخی مناطق کشورمان هم

تابستان امسال با اوج قدرت‌نمایی سوبه دلتا در کشور همراه بود؛ سوبه‌های جدیدی که خانواده‌های زیادی را درگیر کرد. با این‌که همه‌کارشناسان و متخصصان، از شدت بالای این سوبه جدید می‌گفتند اما شاید کمتر کسی فکرش را می‌کرد که این سوبه بتواند چنان خیز بلندی بردارد که بی‌سابقه‌ترین آمار خود را در کل تقویم کرونایی کشور بر جای بگذارد. رکوردشکنی پشت‌رکوردشکنی بود که از گوشه و کنار به گوش می‌رسید؛ رکورد‌هایی که تنها محدود به ابتلا و بستری نشد و آمار مرگ و میرها را هم در بر گرفت. آنقدر که آخرین روزهای مردادماه، تعداد مبتلایان روزانه به ۷۰۰ هزار نفر رسید و در اولین روزهای شهریورماه، رکورد مرگ و میر ناشی از ابتلا به این بیماری، به بیش از ۷۰۰ نفر در بیست و چهار ساعت رسید. آمار و خبرهایی که تابستان سال ۱۴۰۰ را تبدیل به تابستانی نفسگیر کرد.

شناسایی شده بود، به صدا درآمد. افزایش سریع شمار شهرهای قرمز کرونایی از ۲۲ شهر در چهارم تیر ماه به ۶۳ شهر، بعد به ۹۲ شهرستان و نهایتا همه کشور را در بر گرفت. در این میان اما وضعیت استان‌هایی مثل تغییر رنگ‌بندی کرونایی و افزایش مناطق قرمز در کشور می‌شد؛ استانی که میزان رعایت پروتکل‌های بهداشتی در آن، به طور میانگین زیر ۵۰ درصد اعلام شده بود و نیاز به رسیدگی اساسی داشت.

مرداد ابتلا خیز

سوبه دلتا حساسی تاخت و تاز می‌کرد و قدرتش را به رخ همه می‌کشید؛ آنقدر که مردادماه بیشترین میزان ابتلا در طول مدت همه‌گیری کرونا در کشور و قرمزترین ماه کرونایی را به خودش اختصاص داد. مردادی که البته در آمار بستری‌ها هم رکورد بالایی از خودش به جا گذاشت و با ۴۱۰۰ نفر، بیشترین آمار بستری‌های بیمارستانی را هم به نام خودش ثبت کرد؛ آنقدر که همه از کمبود تخت‌های بیمارستان‌ها می‌گفتند و معتقد بودند اوضاع، دست‌کم از یک فاجعه ندارد؛ «وضعیت کرونا در استان گلستان قرمز نیست بلکه سیاه است». این را نماینده رحمت... نوروزی، نماینده مردم علی‌آباد کتول در مجلس شورای اسلامی گفت.



او معتقد بود این استان در شرایطی قرار دارد که نیاز به اعزام تیم پزشکی از طرف دولت است. این تنها یک نمونه از وضعیت فاجعه‌بار استان‌های کشور در مرداد سال ۱۴۰۰ بود.

شهریور مرگبار

شهریور هم دست‌کمی از مرداد نداشت. در واقع کاهش شیب ابتلا و بستری‌های شهریور نسبت به مرداد، یکی از اتفاقات خوبی بود که البته شیرینی‌اش خیلی طول نکشید چرا که تبعات مبتلایان بی‌شمار مردادماه، دامن سومین ماه تابستان را گرفت و بیشترین فوتی‌های ناشی از بیماری کرونا را به خودش اختصاص داد. آنقدر که در دوم شهریور، ۷۹۹ نفر از هموطنان‌مان بر اثر ابتلا به کرونا، جان خودشان را از دست دادند. طبق آمار، میزان فوتی‌های کرونا در سومین ماه تابستان، نسبت به مردادماه ۱۵/۶ درصد رشد پیدا کرده بود و به سطح ۱۶ هزار و ۱۵۳ نفر رسید. کار به جایی رسیده بود که سعید خال، مدیرعامل بهشت زهرا نیز اعلام کرد در طول ۲۵ سال حضورش در بهشت زهرا، شرایط فعلی بی‌سابقه بوده و حتی در دوران دفاع مقدس هم چنین شرایطی را شاهد نبوده و تصور نمی‌کرده‌است روزی عدد متوفیان شهر تهران به ۴۰۰ برسد.

نبردی برای مبارزه با کرونا

همه استان‌ها توان مدیریت چنین بحرانی را نداشتند؛ این واقعیتی بود که باعث شد کمک‌ها به سمت استان‌های درگیر و محروم روانه شود. در واقع بلافاصله پس از اعلام نیاز دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور به تجهیزات و ملزومات مقابله با کووید-۱۹ در شیوع پیک پنجم کرونا، دستگاه‌های سرمایه‌ای جدید همچون ونتیلاتور، مانیتور، دستگاه‌های کمک تنفسی BIPAP، انواع تخت و تشک بستری، پمپ سرم، الکتروکاردیوگراف، الکتروشوک و سایر اقلام مراقبت‌های ویژه برای مراکز درمانی، توسط هیات امنای صرفه جویی ارزی در معالجه بیماران تامین و به قید فوریت به دوازده استان اصفهان، گلستان، مازندران، بهبهان، هرمزگان، کرمان، زابل، بم، کرمان، زاهدان، جیرفت، سیرجان و تهران که بیماران کرونایی بالایی داشتند، ارسال شد. شرایط بحرانی به مرحله‌ای رسید که مجتمع‌های ورزشی و بسیاری از سالن‌ها و مجتمع‌های عمومی هم محلی برای بستری بیماران کرونایی شدند؛ نمونه‌اش در استان مازندران بود که با بحرانی شدن اوضاع و کمبود تخت جهت خدمت‌رسانی کادر درمان به بیماران کرونایی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، مرکزی سرپایی در سالن ورزشی شهدای مخابرات شهرستان بابل و برای

رسیدگی به بیماران کرونایی دایر کرد. مراکزی که علاوه بر کادر درمان، میزبان گروه‌های جهادی و داوطلبانه‌ای بودند که در کمترین زمان ممکن، خودشان را به استان‌های نیازمند و برای آرام کردن اوضاع رساندند.

موجی که شوخی نداشت

بیانیه پشت بیانیه بود که از دانشگاه‌های علوم پزشکی استان‌های سراسر کشور پیرامون شرایط حاد کرونایی و افزایش کنترل نشده موارد ابتلا صادر می‌شد. همچنین کمتر مسؤولی بود که از شرایط حادی که در آن قرار گرفته بودیم نگوید. از اعضای ستاد مقابله با کرونا تا اعضای کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی که از شرایط ناسامانی که در آن قرار گرفته بودیم می‌گفتند؛ «بیمارستان‌ها به شدت دچار مشکل شده‌اند، به طوری که برای رسیدگی به بیماران در هر گوشه‌ای از بیمارستان‌ها تخت گذاشته شده‌است. از مردم می‌خواهیم برای حفظ سلامت‌شان عذراداری برگزار نکنند. مسافرت نروند و در خانه بمانند. این بیماری را ما شوخی ندار.» ناجی معتقد بود سهل‌انگاری در رعایت پروتکل‌های بهداشتی باعث شد به چنین موج عظیمی دچار شویم.

وبالاخره واکسیناسیون

همه چشم و گوش‌ها به اعلام وزارت بهداشت بود که نوبت گروه سنی‌شان برای ثبت‌نام تزریق واکسن در سامانه برسد. سامانه‌ای که در اولین روزهای مرداد، به ۵۸ ساله‌ها رسیده بود و روز به روز قشر بیشتری از افراد جامعه را شامل می‌شد؛ از راننده تاکسی‌ها تا معلمان و خبرنگاران. این تازه اول راه پوشش واکسیناسیون در کشور بود؛ زیرا در شرایطی که بسیاری از افراد در انتظار رسیدن نوبت واکسن‌شان به سر می‌بردند، بودند کسانی که تمایلی به تزریق واکسن نداشتند؛ برای همین هم نیمی از تابستان ۱۴۰۰، به آگاه‌سازی درباره واکسن گذشت؛ واکسنی که بالاخره و در آخرین روز تابستان، محدودیت سنی‌اش برای همه افراد بالای ۱۸ سال برداشته شد و انتظار مردم برای واکسینه شدن، تحقق یافت.